



بیانات در ارتباط تصویری با رؤسا و مدیران آموزش و پرورش - 11 شهریور / 1399

در آستانه‌ی سال تحصیلی جدید (۱)

بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله فى الارضين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين.

السلام عليك يا ابا عبدالله و على الارواح التى حلت بفنائك عليك متى سلام الله ابدًا ما بقيت و بقى الليل و النهار و لاجله الله آخر العهد متى لزيارتك السلام على الحسين و على على بن الحسين و على اولاد الحسين و على اصحاب الحسين.

حرکت عظیم زینب کبریٰ و امام سجّاد (علیهما السلام)، یک قیام به معنای حقیقی کلمه امروز روز دوازدهم محرّم است، روز شهادت امام سجّاد (سلام الله علیه) بنا به قولی و به طور واضح و آشکار، در واقع روز شروع قیام زینبی و سجّادی ؛ یعنی عاشورا قیام حسینی بود، حوادث گوناگون بعد از عاشورا در واقع قیام زینبی است. حرکت عظیم زینب کبریٰ در درجه‌ی اول، و امام سجّاد (علیه السلام) و بقیه‌ی زنان با عظمت آل الله در این دوران یکی دو ماهه‌ی بعد از آن، یک قیام به معنای حقیقی کلمه است. کارهای بزرگی را انجام دادند، کریلا را این شهادت بزرگ را ماندگار کردند، تثبیت کردند. امیدواریم که ان شاء الله خداوند متعال برکات قیام سیدالشهداء را برای بشریت، تا ابد روزبه‌روز افزایش بدهد.

تشکر از ملت ایران به خاطر حسن رفتار در دهه‌ی عاشورا من همین جا از فرصت استفاده میکنم و از ملت عزیز ایران تشکر میکنم به خاطر حسن رفتارشان در دهه‌ی عاشورا. این اتفاقی که افتاد، واقعاً امسال را -همان طور که بعضی از آقایان دیگر هم در بیاناتشان فرمودند- به عنوان یک پدیده در تاریخ کشور ماندگار کرد ؛ وجود محدودیتهای شدید ناشی از بیماری و انتشار بیماری و مراقبت از اینکه این انتشار انجام نگیرد، در عین حال حفظ شور حسینی و حفظ مجالس -این مجالس عظیمی که تشکیل شد- و حرکت عظیم معنوی‌ای که مردم از خودشان نشان دادند. و همچنین گویندگان محترم، مدّاحان و مرثیه‌خوانان محترم و عزیز ؛ من از همه‌ی آنها واقعاً صمیمانه تشکر میکنم. بنده کسی نیستم که من تشکر کنم ؛ [بلکه] به عنوان یک فرد مرید اهل بیت (علیهم السلام) و مرید عاشورا، بنده هم حقیقتاً متشکرم.

خداقوت به مجموعه‌ی بزرگ آموزش و پرورش

همچنین لازم میدانم در اوّل صحبت، خداقوتی بدهم به شما دوستان عزیز و حضار محترم و مجموعه‌ی بزرگ آموزش و پرورش به خاطر برنامه‌های چندماهه‌ای که اجرا کردید ؛ شماها هم خیلی تلاش کردید، خیلی کار کردید. نباید زحمات آموزش و پرورش در این چند ماه دشواری که گذشت، نادیده بماند ؛ اداره‌ی مدارس، [مشارکت در] اداره‌ی انتخابات، اداره‌ی امتحانات، اداره‌ی کلاسهای درس، فضای مجازی و بقیه‌ی برنامه‌هایی که انجام گرفت، بعد هم برنامه‌ریزی برای سال بعد که از نیمه‌ی شهریور شروع خواهد شد. کارهای بزرگی انجام گرفت که کارهای بی‌سابقه‌ای



در آموزش و پرورش بود، تجربه‌ای وجود نداشت در این زمینه‌ها، و کار کردید؛ خداوند ان شاء الله شماها را موفق بدارد.

از بیانات آقای وزیر محترم هم تشکر میکنم؛ گزارش خوبی دادند و مطالبی که ذکر کردند، کارهایی که انجام گرفته، خرسندکننده است و امیدواریم ان شاء الله این کارها ادامه پیدا کند، که حالا تذکراتی هم من عرض خواهم کرد. این کارهایی که گفتید و بیان کردید، کارهای قابل توجه و مهمی است و هر چه کار بکنید برای آموزش و پرورش، جا دارد؛ کارهای پخته و سنجیده و با مشاوره‌ی لازم، با ملاحظه‌ی جوانب گوناگون؛ هر چه کار بکنید برای این نیاز عظیم کشور جا دارد. من همین جا این را هم در تشکر اضافه کنم؛ کاری که معهود نیست و بنده معمولاً این را متذکر نمیشدم، اما لازم میدانم متذکر بشوم: متنی که ایشان گفتند و خواندند متن فصیح و خوبی بود؛ این خیلی مهم است که ما وقتی بیاناتی را می‌خواهیم بخوانیم و بنویسیم و بگوییم، رعایت کنیم، هم فارسی بودن را، هم درست بودن را و هم استفاده از تعبیرات شیوا و کلمات زیبا را. متنی که ایشان خواندند، این خصوصیات را داشت؛ از این جهت هم تشکر میکنم.

برادران عزیز، خواهران عزیز! درباره‌ی آموزش و پرورش خیلی حرف زده‌ایم، بنده هم تا حالا زیاد صحبت کرده‌ام، دیگران هم زیاد گفته‌اند، شماها هم زیاد گفته‌اید. و خیلی از حرفهایی که قبلاً زده‌ایم، توصیه‌هایی که کرده‌ایم، امروز هم میشود همان توصیه‌ها را کرد؛ یعنی کار به سرانجام و پایان در بسیاری از مواردی که باید برسد نرسیده؛ تلاش شده الحمدالله، لکن کار بایستی ادامه پیدا کند تا به آن مقاصدی که مورد نظرمان است برسد. امروز هم من چند نکته را می‌خواهم عرض بکنم.

انسان‌سازی؛ منطق ایجاد دستگاه عظیم آموزش و پرورش

یک نکته که نکته‌ی اصلی است، طرح این سؤال و پاسخ به این سؤال است که چه منطقی پشت سر آموزش و پرورش، این دستگاه عظیم، قرار دارد؟ نه فقط در کشور ما؛ در همه‌ی کشورهای دنیا. اینکه یک تشکیلات به این عظمت درست میکنند، یک لشکر فرهنگی در واقع به وجود می‌آید از دانش‌آموز و معلم و کارمندان گوناگون و مدیران مختلف، منطق این کار چیست؟ میدانیم پاسخ مجملش را. منطق، انسان‌سازی است؛ یعنی ماده‌ی خامی که کودک مثلاً شش‌ساله و هفت‌ساله است، وارد این کارخانه میشود و دوازده سال در این کارخانه زیر و رو میشود و یک محصولی، یک برون‌دادی باید از این کارخانه خارج بشود؛ آن برون‌داد چیست؟ انسان شایسته؛ منتها تعریف «انسان شایسته» در مکاتب مختلف، تفکرات مختلف، کشورهای مختلف، جوامع مختلف، مختلف است؛ همه «انسان شایسته» را یک جور نمیدانند؛ برای همین هم هست که نوع آموزشها و پرورشها در جوامع گوناگون، یکسان نیست. ما در جمهوری اسلامی همین هدف را دنبال میکنیم؛ ما می‌خواهیم در این مجموعه‌ی دوازده‌ساله انسان تربیت بشود. خصوصیت این دوازده سال هم این است که بهترین زمانهای فراگیری است؛ یعنی در این سنین، یادگیری آسان‌تر، ماندگارتر، و بهتر و شایسته‌تر است؛ از این جهت مهم است.

خصوصیات انسان منطبق بر تفکر اسلامی

ما می‌خواهیم خروجی این دستگاه عظیم، این ماشین بزرگ، یک خروجی‌ای باشد منطبق بر تفکر اسلامی. خوب حالا آن انسان مطلوب جامعه‌ی اسلامی و انقلاب اسلامی و نظام اسلامی چه خصوصیات دارد؟ در این مورد هم البته خیلی صحبت شده - همه صحبت کرده‌اند، بنده هم مطالبی همیشه عرض کرده‌ام، دیگران هم گفته‌اند - اما حالا اگر



بخواهیم به طور خلاصه در چند جمله که متناسب با آموزش و پرورش هم هست، آن انسان طراز اسلامی‌ای را که توقع هست آموزش و پرورش او را تربیت کند معرفی کنیم، این جور تعریف میکنیم که انسانی باشد با این خصوصیات: اولاً مؤمن باشد؛ ایمان اولین شرط است. ثانیاً خردمند باشد؛ یعنی عقل را به کار بگیرد. «لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (۲) در قرآن ببینید چقدر هست! ثالثاً اندیشمند باشد؛ یعنی فکر کند. عقل فقط برای پیدا کردن راه‌های عملی زندگی نیست؛ عمده برای فکر کردن و اندیشیدن است، که این از دانشمند شدن مهم‌تر است. اگر بخواهیم دانشمندان خوبی داشته باشیم، باید اندیشمندان خوبی داشته باشیم. بعد، دانشمند شدن و کسب علم؛ این هم یک خصوصیت است. مجاهد و اهل عمل باشد؛ یعنی نشستن و حرف زدن و صرفاً فکر کردن و حرف‌افشایی کافی نیست، باید اهل عمل باشد که حالا در این زمینه هم بحث‌های زیادی وجود دارد. عمل هم عمل مجاهدانه و پیگیر [است]؛ همان [عملی] که در عرف شرع مقدس اسلام «جهاد» گفته میشود که آن وقت این جهاد در اینجا جهاد فی سبیل الله است، جهاد مورد ترغیب شرع است. انسان باانصافی دربیاید، [انسان] بانظمی دربیاید، متخلّق به اخلاق اسلامی دربیاید؛ اینها خصوصیات انسانی است که ما توقع داریم در آموزشی که شما میدهید و پرورشی که شما میکنید، یک چنین انسانی به وجود بیاید.

محتوای سیاست‌های اجرائی آموزش و پرورش

خب؛ اگر چنانچه توقع ما این است - که البته حالا اینها مراتب دارند، شدید و ضعیف دارند؛ نمیخواهیم بگوییم که آن مرتبه‌ی اعلیٰ در همه جا مورد نظر است؛ بالاخره انسانها مراتبی [دارند]، استعدادها مختلف و شرایط مختلف دارند. اگر بخواهیم چنین انسانی از این کارخانه دربیاید، چه خصوصیتاتی باید در این کارخانه وجود داشته باشد؟ چه دانشهایی را تعلیم بدهیم؟ فکر کردن را چگونه به آنها تعلیم بدهیم؟ چگونه تخلّق به اخلاق اسلامی را به آنها تعلیم بدهیم؟ یعنی چگونگی کار؛ این مهم است. با چه شیوه‌ای، چه معارفی لازم است داده بشود؟ چون تعلیم و تربیت است، در تعلیم چه دانشهایی لازم است؟ در تربیت چه نوع عملی و شیوه‌ی کاری مورد نیاز است؟ هر کدام به چه اندازه؟ در چه سطحی؟ به وسیله‌ی چه جور معلمینی؟ همه‌ی اینها لازم است که برنامه‌ریزی بشود؛ اینها باید مشخص بشود در آموزش و پرورش. بنابراین، اینها سیاست‌های اجرائی آموزش و پرورش است.

نیاز به زیربنای مستحکم فکری و تحوّل بنیادی در آموزش و پرورش

البته در گذشته‌ی دور، از روزی که آموزش و پرورش جدید سبک اروپایی وارد کشور شد، مطلقاً این فکرها نشد. یک رونویسی‌ای از آموزش و پرورش کشورهای اروپایی بود که آوردند اینجا و کسی به فکرش نرسید که حالا ما اینجا چه جور انسانی لازم داریم و شرایط کشور، فضای کشور، با تعبیر رایج این روزها زیست‌بوم کشور، چه جور انسانی را اقتضا میکند؛ اینها مورد نظر نبود. همان [چیزی] را که آنها عمل میکردند آوردند و اینجا مشغول اجرا شدند. البته در طول زمان - چه قبل از انقلاب، چه بعد از انقلاب - تغییرات سطحی‌ای انجام گرفته. بعد از انقلاب هم تا مدتها تغییر بنیادی و تحوّل بنیادی‌ای انجام نگرفته بود؛ یک تغییراتی بود البته در مسائل [جزئی]. اینکه ما چند سال قبل از این مسئله‌ی تحوّل بنیادی آموزش و پرورش را مطرح کردیم، (۳) ناظر به این قضیه است. ما این را خواستیم مطرح کنیم که آموزش و پرورش ما نیاز دارد به یک زیربنای مستحکم فکری؛ احتیاج دارد به اینکه این خصوصیتاتی را که اشاره شد، تبیین کند، درست کند. حالا من عرض میکنم که بنای تحوّل و شکل تحوّل، با چه خصوصیتاتی و با چه مراتبی تحقق پیدا میکند، که خب کارهای زیادی هم در این زمینه در این چند سال صورت گرفته.

مشخص کردن اهداف کلان، راهبردهای کلّی، سیاست‌های عملی، و برنامه‌های اجرائی



پس بنابراین، بحث درباره‌ی تحوّل و شناختن زیربنای تحوّل، برای ما روشن خواهد کرد که این شبکه‌ی عظیم فرهنگی، این لشکر عظیم فرهنگی، یعنی آموزش و پرورش که تقریباً حدود چهارده میلیون دانش‌آموز دارد، حدود یک میلیون معلم و کارمند و مدیر و مانند اینها دارد، چه برون‌دادی باید داشته باشد و چگونه [به دست می‌آید]. این مسئله‌ی تحوّل که ما داریم بحث می‌کنیم، باید این را برای ما روشن کند که برون‌داد چه باشد و چگونه این برون‌داد به دست بیاید؛ چه آگاهی‌هایی، چه مهارت‌هایی، چه خصوصیات اخلاقی‌ای، چه خصوصیات رفتاری‌ای باید در محصول و متخرّج (۴) این دوازده سال وجود داشته باشد.

پس در طرح تحوّل، طبعاً هدفها در درجه‌ی اوّل است؛ هدفها باید مشخص بشود -هدفهای کلان- که البته همه‌ی این هدفها باید متکی باشد به اسلام و وحی و مبادی محکم عقیدتی و قرآنی و نیازهای حقیقی جامعه‌ی ایرانی با خصوصیات که دارد؛ باید متکی به این چیزها باشد. هدفها که مشخص شد، بر اساس این هدفها، دستورالعمل‌ها و راهبردهای کلی مشخص میشود. اینها کارهایی است که در طرح تحوّل شما صورت گرفته؛ یعنی این کارها را انجام داده‌اند. البته بایستی این راهبردها و دستورالعمل‌ها که معین میشود، روشن باشد، با تبیین صحیح مفهوم مورد نظر همراه باشد؛ لفاظی و مانند اینها در آن به درد نمی‌خورد، فایده‌ای ندارد؛ باید مشخص باشد که چه کار می‌خواهیم بکنیم، آن دستورالعمل کلی و راهبرد کلی چیست. بر اساس این راهبردها، آن وقت هدفهای عملیاتی جزء جزء مشخص بشود که در هر بخشی چگونه عمل کنیم و این هدفها چیست. بعد از آنکه این هدفهای عملیاتی و در واقع سیاستهای عملی مشخص شد، آن وقت نوبت برنامه‌ی اجرایی مشخص است برای رسیدن به این [هدفها]. خب این برنامه به صورت کامل هنوز ارائه نشده؛ در همه‌ی این دولت‌هایی که بودند و دوره‌های مختلف در آموزش پرورش، کارهایی شده، برنامه‌هایی ارائه کرده‌اند به عنوان برنامه‌ی عملیاتی، منتها [فقط] بخشی از این سند تحوّل مورد توجه قرار گرفته، مجموع سند تحوّل مورد توجه قرار نگرفته. انسان وقتی سند تحوّل را نگاه میکند، مجموعه‌ی سند تحوّل بایستی به طور کامل برنامه‌ریزی شده باشد؛ یعنی با خطوط مشخص، مثل این شعبه‌های آب و شبکه‌های آبیاری‌ای که آب سد را میرساند به مزرعه و میرساند به زمین. این برنامه‌ی عملیاتی شما این [طور] است؛ باید بتواند آن کلیات را، آن مفاهیم کلی را، آن خواسته‌ها را به صورت عملیاتی، مشخص، در بخشهای مختلف -چه بخشهای علمی، چه بخشهای پرورشی و تربیتی- به آنجاها برساند و عملیاتی کند. آنچه مهم است این است که این برنامه‌ریزی باید صورت بگیرد و مدیریتهای کلان آموزش و پرورش و شورای عالی آموزش و پرورش، در این زمینه مسئولیت دارند که این برنامه‌ریزی را بکنند.

لزوم ترمیم و بروزرسانی سند تحوّل بنیادین آموزش و پرورش

البته کار سند انجام گرفته و الان حدود نه سال است که این سند ابلاغ هم شده و در جلسات متعددی در شورای عالی انقلاب فرهنگی -به نظرم حدود چهارده پانزده جلسه- این سند مطرح شده و درباره‌ی آن بحث شده؛ منتها در خود این سند، این ذکر شده است که هر پنج سال این سند ترمیم بشود. به نظر من [هم] باید ترمیم بشود؛ یعنی یک مقداری یک نگاه تکمیلی [داشته باشیم]. البته این موجب نشود که برنامه‌ریزی را ما بگذاریم [کنار] برای اینکه حالا ترمیم بکنیم که آن هم مدتها در شورای عالی انقلاب فرهنگی طول بکشد؛ این جور نشود. آن برنامه‌ریزی باید انجام بگیرد و این ترمیم هم باید انجام بگیرد؛ یعنی به‌روزرسانی و ملاحظه کردن. بعضی از تعبیرات نسبتاً دور از ذهن هم در این اهداف و راهبردها هست که عرض کردم اینها بایستی ساده، روشن و مبین [باشد]، معلوم باشد که چه می‌خواهیم. این کارها باید انجام بگیرد.



پس بنابراین، دو کار مهم هست: یکی ترمیم اصل سند که این [کار] به وسیله‌ی خود شورای عالی انقلاب فرهنگی باید انجام بگیرد، این ترمیم را آنها باید بکنند، یعنی آنجا بایستی انجام بگیرد و شما باید پیگیری کنید؛ و دوّم هم برنامه‌ی جامع اجرائی که تشکیلات آموزش و پرورش این برنامه را باید تنظیم بکند، این هم کار شما است؛ برنامه‌ی جامعی تنظیم بشود. البته بخشی از این برنامه را شما تنظیم کرده‌اید، بسیاری‌اش را عملیاتی کرده‌اید آن طور که حالا در گزارشتان بود و من هم البته شنیده‌ام کارهایی را که انجام گرفته، بعضی از کارها را اطلاع داشتم، لکن برنامه‌ی جامعی باید در دستتان باشد که معلوم باشد چه کار می‌خواهید بکنید.

ضرورت زمان‌بندی و وجود شاخص پیشرفت در برنامه‌ی جامع اجرائی پس بنابراین، این برنامه‌ی جامع بایستی همه‌ی هدفهای عملیاتی را شامل بشود، متقن باشد، دارای زمان‌بندی باشد؛ یعنی دو چیز مهم در این برنامه‌ی جامع، لازم است: یکی زمان‌بندی، یکی شاخص پیشرفت. هم زمان‌بندی کنید، هم شاخصهایی وجود داشته باشد که بتوان معلوم کرد که چقدر این برنامه پیش رفته و بالاتر از این، بتوان معلوم کرد که این سند چقدر درست است؛ چون در میدان عمل، وقتی که شما نتیجه را نگاه کردید، فهمیدید پیشرفت داریم، می‌فهمیم که سند، سند متقنی است؛ اگر دیدیم هر چه تلاش میکنیم به نتیجه نمی‌رسیم، می‌فهمیم یک عیبی در اصل کار وجود دارد، برمیگردیم آن عیب را اصلاح میکنیم. بنابراین، در این برنامه‌ریزی، هم زمان‌بندی لازم است، هم تعیین شاخصها لازم است. این دو کاری [است] که عرض کردیم، که البته باید پیگیری بشود؛ پیگیری‌اش را شما باید بکنید، شورای عالی آموزش و پرورش باید پیگیری کند، خود وزیر محترم و دستگاه اداری آموزش و پرورش باید این را پیگیری کنند که به نتیجه برسد.

تبیین سند تحوّل برای مدیران، کارکنان و معلمین یک نکته‌ی دیگر در باب سند هست و آن تبیین سند است. حالا امروز در گزارش آقای وزیر بود که این تبیین انجام می‌گیرد، لکن آن طور که حالا به من گزارش شده - من خودم در بدنه‌ی آموزش و پرورش حضور ندارم، لکن گزارشهایی به ما میرسد - در بسیاری از جاها اصلاً خبر ندارند از این سند تحوّل. ما می‌گوییم سند تحوّل، بنده سالهای متعدّد بارها روی سند تحوّل تکیه کرده‌ام، آن مدیر فلان بخش می‌شنود سند تحوّل را، نمیداند سند تحوّل چیست! خب اینکه نمیشود. وقتی که ندانست، دل او آشنا نشد، انگیزه پیدا نمیکند. بایستی این تبیین بشود؛ نه فقط برای مدیران، [بلکه] برای کارکنان عمده، حتی برای معلمین؛ معلمین بفهمند این سند چیست. و سند را جوری باید تنظیم بکنید که جذّاب باشد برای همه‌ی اینها که نگاه کنند، یاد بگیرند، بفهمند. حرف اصلی بنده در واقع درباره‌ی همین مسئله‌ی سند تحوّل و این خصوصیات بود که عرض شد.

معلمین؛ افسران سپاه پیشرفت کشور

چند نکته‌ی دیگر هم می‌خواهم عرض بکنم. نکته‌ی اوّل در باب معلّم است. در نظام آموزش و پرورش، هیچ عنصری به قدر معلّم تأثیر ندارد؛ معلّم تعیین‌کننده است. در واقع در این لشکر عظیم فرهنگی که شما هستید، مجموعه‌ی آموزش و پرورش، این چندین میلیون، افسرانی که عده‌ها را و مجموعه‌ها را اداره میکنند همین معلّمینند که هر معلّمی یک کار خاصی بر عهده‌اش است و کاری را دارد انجام میدهد و در واقع یک جمعی را دارد پیش می‌برد. در حقیقت معلّمین، افسران سپاه پیشرفت کشورند؛ چون آموزش و پرورش وسیله‌ی پیشرفت کشور است. معلّمین عزیز ما در حقیقت - به معنای واقعی کلمه، نه به عنوان تعارف - افسران سپاه پیشرفت این کشور هستند.



سه عامل مهم در صیانت از شأن و نقش معلم: (۱) خود معلم
خب ما باید از شأن معلم و نقش معلم صیانت کنیم. چه کسی صیانت بکند؟ در درجه‌ی اوّل خود معلمان؛ یعنی معلم توجّه کند و بداند که آینده‌ی کشور متأثر از همت او و حکمت او است؛ بداند که کاری که او دارد الان سر کلاس انجام میدهد - مخاطبش هر که می‌خواهد باشد؛ از کودک خردسال تا یک جوان هفده هجده ساله - در واقع دارد آینده‌ی کشور را می‌سازد؛ هر معلمی بایست این را احساس بکند. این به او اعتماد به نفس میدهد، به او امید میدهد و به او انگیزه میدهد که بتواند کار خودش را خوب انجام بدهد، شأن خودش را والا بداند. وقتی که خود شما شأن خودت را والا دانستی، مردم هرچه فکر میکنند، بکنند. انسان وقتی خودش فهمید، به معنای واقعی کلمه فهمید که چه شأن والایی دارد - که واقعاً هم شأن معلمی والا است - آن وقت این موجب میشود که از این شأن صیانت بشود و حفاظت بشود.

(۲) حمایت آموزش و پرورش
دومین عامل، آموزش و پرورش است که باید در عمل، معلمان را مورد حمایت قرار بدهد. من خوشحال شدم از این گزارشی که راجع به مسکن و مانند اینها آقای وزیر درباره‌ی معلمان گفتند - البته نشنیده بودم - این کارها باید انجام بگیرد. البته مجلس و دستگاه‌های گوناگون و مرتبط - [یعنی سازمان] برنامه و بودجه و دیگران - هم باید کمک کنند. نگاه به آموزش و پرورش، نگاه به یک دستگاه مصرفی نباید باشد؛ نگاه به یک دستگاه زیربنایی باید باشد. شما اگر چنانچه مبالغ میلیاردها خرج کنید برای اینکه مثلاً یک سد بسازید یا مثلاً یک بزرگراه بسازید، هرگز فکر نمیکنید که پولتان را مصرف کردید و مثلاً هدر دادید. آموزش و پرورش بمراتب، بمراتب، مهم‌تر از دستگاه‌های سازندگی دیگری است که در کشور وجود دارد. اینجا جای سرمایه‌گذاری است؛ شما در واقع هرچه اینجا پول خرج میکنید، دارید سرمایه‌گذاری میکنید، دارید زیربنا می‌سازید؛ این را بایستی همه [توجّه کنند]؛ هم مجلس توجّه کند، هم دولت توجّه کند، هم سازمان برنامه توجّه کند و هم خود آموزش و پرورش هم که توجّه به این معنا دارد. این هم عامل دوم برای صیانت از شأن و نقش معلم.

(۳) فرهنگ‌سازی توسط دستگاه‌های تبلیغی
عامل سوم، دستگاه‌های تبلیغاتی‌اند که باید فرهنگ‌سازی کنند؛ یعنی معلمی باید [یک] شأن باید باشد که عمده‌ی این به عهده‌ی صدا و سیما است. مثلاً فرض کنید که شما میتوانید یک فیلمی بسازید که در آن فیلم معلم وجود داشته باشد و نقشی داشته باشد که وقتی انسان آن فیلم را نگاه میکند، وقتی انسان این فیلم را میبیند، آرزو کند «کاشکی من معلم بودم!» این کار، کار لازمی است؛ این کار، کار واجبی است. حالا من گفتم فیلم، نه اینکه یک فیلم درست کنیم و خیال کنیم که کار تمام شد؛ نه، اصلاً این یک جریانی باشد که مرتباً به شکلهای مختلف، به شکلهای هنری، معلم ترویج بشود، معلمی ترویج بشود، احترام و اکرام معلم به صورت یک فرهنگ عمومی دربیاید و در افکار عمومی اثر بگذارد. این هم این [عامل]. اگر چنانچه این [موضوع، عملی] شد، آن وقت جایگاه معلم اعتلا پیدا میکند. و این یک مسئله که مسئله‌ی حفظ جایگاه معلمی است.

دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی، تنها مسیر ورود معلم به آموزش پرورش
مسئله‌ی دوم، مسئله‌ی جذب معلم است؛ از کجا معلم پیدا کنیم؟ چه جوری معلم تربیت کنیم؟ به نظر من این دو دانشگاهی که شما دارید، بسیار چیزهای خوبی است. من سال ۹۷ در دانشگاه فرهنگیان همینها را گفتم. (۵)
دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی یکی از آن بهترین مراکزی است که در کشور برای مسائل فرهنگ و مانند



اینها به وجود آمده. باید این جور باشد که حتی یک معلم از غیر این مسیر وارد آموزش پرورش نشود. ما دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی را جوری ظرفیت سازی کنیم و جوری سازماندهی کنیم که همه‌ی معلمان به قدر کفایت بیایند از اینجا عبور کنند و وارد آموزش و پرورش [بشوند]. حتی دوره‌های کوتاه مدتی که حالا برنامه‌ریزی شده و دوره‌هایی که وجود دارد، مثلاً یک ساله و مانند اینها هم در سایه و در ضمن و با مسئولیت این دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجائی باشد؛ این کار بسیار لازمی است. خب، پس یک نکته این شد که مسیر عبور معلم و ورودش به آموزش پرورش صرفاً از اینجا باشد. حالا من اینجا به عزیزان مجلس هم سفارش کنم این طور نباشد که یک جوری تصویب کنند که مثلاً یک جمعی، یک وقت بی حساب به شکل برف‌انباری، همین جوری وارد آموزش پرورش بشوند؛ این جوری مصلحت نیست. هر کاری انجام میگیرد، ورودی معلمان [باید] از طریق این دو دانشگاه باشد.

لزوم صلاحیتها در جذب و گزینش معلم

کار دوم اینکه خود این دو دانشگاه در جذب، صلاحیتها را رعایت کنند؛ صلاحیت دینی را، صلاحیت اخلاقی را، صلاحیت سیاسی را تا آنجایی که ممکن است، توجه کنند. جذب کنند و به معنای صحیح کلمه گزینش کنند افراد را و وارد کنند. البته ما یک سابقه‌ی نامطلوبی در امر گزینش از سالهای قبل در جاهای مختلف داشته‌ایم که معیارهای گزینش، معیارهای درستی نبوده؛ فرض کنید مثلاً راجع به فلان مسئله‌ی فقهی خیلی کمیاب که از یک فقیه هم آدم بپرسد، معلوم نیست حاضر باشد بتواند جواب بدهد، از یک جوانی بپرسند که اگر جواب نداد، رد بشود؛ این کارها را نکنید. یک گزینش درست و حسابی کاملاً خردمندانه و صحیح انجام بگیرد تا با گزینش وارد بشوند. نیروهای بی کیفیت وارد آموزش پرورش نشوند؛ چون موجب ضرر خواهد بود. معلمی که این همه اهمیت دارد و این همه ارزش دارد و ما درباره‌اش این همه تعریف میکنیم، اگر عنصر بی کیفیت بی فایده یا خدای نکرده مضر باشد، طبیعتاً نتیجه‌ی عکس خواهد داد.

اهمیت رعایت عدالت آموزشی

نکته‌ی بعدی مسئله‌ی عدالت آموزشی است. بنده البته مکرراً در مورد عدالت آموزشی صحبت کرده‌ام. اینکه باید دانش آموز ما در فلان نقطه‌ی دوردست با دانش آموز ما در فلان محله‌ی تهران از لحاظ نصیب آموزشی تفاوتی نداشته باشد، یک اصل است؛ حالا یک وقت، یک کسی استعداد بیشتری دارد - که اتفاقاً در این مراکز دوردست استعدادهای برجسته، استعدادهای درخشان گاهی مشاهده میشود - [این اشکال ندارد]. بایستی ما کاری کنیم که همه بتوانند از سهم مناسب خودشان در آموزش پرورش کشور استفاده کنند. پس عدالت آموزشی به این معنا وجود دارد. البته حالا که مسئله‌ی آموزش مجازی و مانند این حرفها پیش آمده، یک مقداری مسئله‌ی عدالت حساس‌تر است، برای خاطر اینکه ممکن است همه امکان استفاده‌ی از فضای مجازی را نداشته باشند، تمکن مالی نداشته باشند؛ باید برای این فکری کرد. حالا [اینکه] شما چه کار میتوانید بکنید، [باید فکر کنید]؛ البته شنیدم کارهایی را شروع کرده‌اید؛ باید ادامه بدهید و دنبال کنید. و صدا و سیما بخصوص بایستی کمک کند و آموزش از طریق صدا و سیما میتواند بخش مهمی از این را جبران کند. بالاخره عدالت آموزشی بسیار مهم است.

یک نکته در باب عدالت آموزشی بحث مدارس دولتی است که مراقب باشیم مدارس دولتی جوری نباشد که دانش آموزی که در مدارس دولتی تحصیل میکند، احساس کند که مثلاً فرض کنید امکان قبولی‌اش در کنکور کمتر است؛ این [طور] نباید باشد. یعنی بایستی ما سطح مدارس دولتی را، هم از لحاظ آموزش و هم از لحاظ پرورش، جوری بالا بیاوریم که خود آن دانش آموز احساس اعتماد کند، خانواده‌ی او هم که میخواهند این فرزند را بفرستند



به مدرسه‌ی دولتی، احساس نکنند که دارند او را به یک جایی بی‌پناه می‌فرستند و رها میکنند؛ این جوری نباید باشد. باید به مدارس دولتی به معنای واقعی کلمه رسیدگی بشود.

آفات و زیانهای احتمالی در آموزش مجازی

در باب آموزش مجازی، یک نکته‌ی دیگر هم وجود دارد و آن، زیانهایی است که احتمالاً در آموزش مجازی وجود دارد. حالا این شبکه‌ی شاد که به وجود آمده، بسیار چیز خوبی است منتها بایست مراقبت کنید تا این موجب این نشود که جوانها وارد فضای بی بند و بار و رهای اینترنت بشوند و سرشان گرم بشود به یک چیزهای دیگری که هم از لحاظ اخلاقی، هم از لحاظ اعتقادی خطرهای بزرگی برای اینها دارد؛ این را باید کاملاً مراقبت بکنید، یعنی پیش‌بینی کنید. البته دیروز پریروز در زمینه‌ی فکری که آموزش و پرورش در این زمینه کرده، به من یک گزارشی دادند، منتها باید کار کنید در این زمینه؛ یعنی کاری است که نمیشود رها کرد این را؛ چون بحث به اصطلاح اُنس بچه‌ها با فضای مجازی، محسناتی دارد، عیوبی هم دارد. یکی از عیوبش این است که گفتم؛ یکی از عیوبش منزوی شدن بچه‌ها در خانه است؛ وقتی که با این تبلت و مانند اینها آشنا شدند، می‌روند سرگرم آن کار میشوند و از محیط خانه و خانواده در واقع بتدریج دور میشوند. باید به اینها توجه کنید و مراقبت کنید. این هم از این [نکته].

ضرورت اهتمام به فعالیتهای پرورشی

نکته‌ی بعدی که روی آن تکیه می‌خواهم بکنم، مسئله‌ی فعالیتهای پرورشی است. الان هم در آموزش و پرورش، «پرورش» عقب است؛ یعنی این را بدون هیچ ملاحظه‌ای آدم قاطعاً میتواند بگوید. متأسفانه مدتها است که با همه‌ی تأکیدی که در این زمینه شده، بحث پرورش، بحث عقب‌مانده است؛ یعنی واقعاً به مسئله‌ی پرورش، به بخش پرورش توجه لازم و اهتمام لازم نشده، که باید بشود. حالا در قضیه‌ی فضای مجازی و ارتباط دور و مانند اینها، این معنا یک مقداری بیشتر مهم خواهد بود؛ باید روشها و قالبهای جدیدی را پیدا کنید برای اینکه بتوانید ان شاءالله آن جنبه‌ی پرورش را در آموزش و پرورش، در بین این میلیون‌ها نوجوانی که در اختیار شما هست، تأمین کنید.

اهمیت شناسایی و پرورش استعدادها درخشان

نکته‌ی دیگر در باب مدارس سمپاد (۶) است که آقای وزیر اشاره کردید، بنده هم تأکید میکنم -خب بالاخره این مصوبه ابلاغ شد؛ البته حالا با تأخیر ابلاغ شد- و خیلی خوب است؛ به سمپاد باید برسید. این پرورش استعدادهای درخشان و برجسته، یکی از مسائل بسیار اساسی و مهم است. ما بایستی این استعدادها را به معنای واقعی کلمه شناسایی کنیم و پرورش بدهیم؛

بسا باشد که مردی آسمانی

به جانی سر فرازد لشکری را (۷)

چون گاهی اوقات می‌بینید که یک استعداد برجسته و برتر یک کشور را از یک گذرگاه مهم و خطرناکی عبور میدهد و کارهای بزرگ انجام میگیرد؛ ما هم انصافاً احتیاج داریم، استعداد برجسته هم کم نداریم؛ اولاً متوسط استعدادهای کشور ما از متوسط جهانی بالاتر است، وانگهی در بین همین مجموعه‌ی جوان و نوجوان ما استعدادهای برجسته و درخشان کم نیست؛ اینها را بایستی ان شاءالله دنبال بکنید که این هم خوب است. جایگاه کشور در المپیادها هم بایستی پیش برود که حالا ایشان گفتند که مثل گذشته است؛ مثل کدام گذشته؟ چون در این سالهای



اخیر خیلی برجسته نبوده؛ اگر چنانچه مثل این سالها باشد، این تعریف نیست؛ اگر مثل سالهای قبل باشد که آن وقت خب هم تعداد مدالها، هم رنگ مدالها خیلی برجسته‌تر بود، آن البته خوب است.

لزوم اداره‌ی مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها توسط آموزش و پرورش
یک مسئله، مسئله‌ی مهدکودک‌ها و پیش‌دبستانی‌ها است. مهدکودک‌ها متأسفانه رها است؛ مهدکودک‌ها هم ذیل آموزش و پرورش است. اولاً دستگاه‌های مختلف دولتی با هم در این زمینه بگومگو دارند که این بگومگوها باید برطرف بشود؛ وانگهی وقتی که دستگاه را شما رها بگذارید، دیگران می‌آیند بچه‌های مردم را میگیرند، میبرند آنجا و تربیتهای غلط داده میشود. گزارشهای بسیار بدی بنده دریافت کردم از بعضی از مهدکودک‌ها که واقعا نگران‌کننده است. اداره کنید مهدکودک‌ها را. مهدکودک هم فقط یک مرکز خدماتی نیست که بچه را حفظ کنند و خدمت بدهند، [بلکه] به یک معنا مرکز آموزشی و پرورشی است، منتها خب با زبان خاص خود، با شیوه‌ی خاص خود. وقتی که ما میگوییم برای مهدکودک‌ها برنامه داشته باشید، به طریق اولی پیش‌دبستانی‌ها [اهمیت پیدا میکنند]. پیش‌دبستانی هم جای بسیار مهمی است، آنجا هم فکر لازم دارد، باید فکر کنید، برای آن برنامه فراهم بکنید و [برای] بچه‌ها که حالا به طور طبیعی همه از پیش‌دبستانی عبور میکنند - که سابق [این جور] نبود- این را جوری [اداره] بکنید که ان‌شاءالله اینجا بتوانند از این فرصت استفاده کنند.

علت اصرار نفوذ طواغیت عالم در آموزش و پرورش کشورها
نکته‌ی پایانی‌ای که من بخواهم عرض بکنم این است که فکر کنیم چرا این قدر طواغیت عالم و فراعنه‌ی عالم به فکرند و اصرار دارند که در آموزش و پرورش کشورها نفوذ پیدا کنند؛ روی این یک قدری باید تأمل کرد. [این نفوذ] گاهی اوقات با سر و صدا مثل سند ۲۰۳۰ است که سر و صدایش دنیا را گرفت که برای همه هم هست. این به معنای نفوذ فرهنگ و سبک زندگی غربی و اهداف غربی در همه‌ی کشورهای دنیا است. چرا؟ به چه دلیل؟ چرا باید یک کشوری مثل کشور ما با این فرهنگ ریشه‌دار و عمیق و فرهنگ الهی و ایمانی، فرهنگ برجسته‌ی درخشان ایرانی تحت تأثیر تعلیمات کسانی که تمدنشان و فرهنگشان یک چیز جدید و مادی و غلط و شکست‌خورده است [قرار بگیرد؟] امروز فلسفه‌ی اجتماعی غرب در خود غرب شکست‌خورده است؛ خب ببینید چه خبر است! آن روزمن راجع به آمریکا گفتم. (۸) در آمریکا از هالیوود تا پنتاگون -یعنی فاصله‌ی هالیوود و پنتاگون را در نظر بگیرید- همه جا فساد هست؛ هم آنجا، هم آنجا، هم بین اینها. چرا بایستی فرهنگ یک کشوری مثل کشور اسلامی ایران و یا کشورهای اسلامی و شاید بعضی کشورهای دیگر در دنیا تحت تأثیر یک سندی قرار بگیرد که آدمهای این تمدنها، این کشورها، جوامع فاسد و غلط آن را تنظیم کرده‌اند؟ بنابراین به این توجه داشته باشید که نفوذ آنها و اصرارشان بر نفوذ به خاطر تأثیر آموزش و پرورش است؛ به خاطر این است که اینها کارهایی را که به وسیله‌ی نظامی به آسانی نمیتوانند انجام بدهند، به این وسیله میتوانند انجام بدهند؛ یک جایی و در یک مواردی با یک وسیله‌ی عمومی مثل همین سند ۲۰۳۰؛ که متأسفانه در کشور ما هم به آن توجه شد، الان هم شنیده‌ام گوشه‌کنار بعضی از اجزای این سند همین طور به وسیله‌ی بعضی آدمهای ناباب یا غافل دارد اجرا میشود و دنبال میشود -و این را خواهش میکنم آقای وزیر به طور جد دنبال کنند- چه مثل نفوذ در آموزش و پرورش بعضی از کشورهای منطقه که ما خبر داریم بی سر و صدا و بدون هیاهو دارند کتابهای درسی را، وضع معلمان را، آموزشها را [تغییر میدهند]، افرادی را جدا میکنند از بین مجموعه و میبرند در کشورهای خودشان یک چند صباح تربیت میکنند برمیگردانند. در آموزش و پرورش میخواهند نفوذ پیدا کنند. این به نظر من خیلی مهم است. لازم است که یک حساسیتی در زمینه‌ی نفوذ دشمن همه پیدا کنند، همه [حساسیت] داشته باشند و مراقب باشند. او اصرار دارد به نفوذ؛ شما باید بدانید او چرا



اصرار دارد. او با این نفوذ می‌خواهد مقاصد خودش را، اهداف پلید خودش را عملیاتی کند و آدم‌هایی درست کند که مثل او فکر کنند؛ بنابراین فرض کنید او که می‌خواهد یک کشوری را غارت کند، وقتی در داخل کشور کسانی بودند که با این غارت موافق بودند، با او هم‌فکر بودند، این غارت براحتی و آسانی انجام می‌گیرد. و به هر حال بایستی به این معنا توجه کرد.

لکه‌ی ننگ خیانت دولت امارات متحده‌ی عربی

یک نکته هم در پایان عرض بکنم راجع به این خیانتی که متأسفانه دولت امارات متحده‌ی عربی کرد؛ (۹) هم به دنیای اسلام خیانت کرد، هم به دنیای عرب خیانت کرد، هم به کشورهای منطقه خیانت کرد، هم به مسئله‌ی مهم فلسطین خیانت کرد. این کاری که اماراتی‌ها کردند، یک لکه‌ی ننگی است؛ البته این از بین خواهد رفت، یعنی این حالت دیری نخواهد پایید ان‌شاءالله، لکن این لکه‌ی ننگ بر پیشانی کسانی که این اقدام را امروز انجام دادند خواهد ماند. اینها خیانت کردند، کار بسیار بدی کردند، پای صهیونیست‌ها را در منطقه باز کردند. مسئله‌ی فلسطین با این اهمیّت، [یعنی] غصب یک کشور، آواره کردن یک ملت، چیز کوچکی است؟ [اینها] به بوته‌ی فراموشی سپردند و عادی‌سازی کردند.

ملت فلسطین، چه در غزه، چه در بخش اراضی به اصطلاح اشغالی -البته همه‌ی فلسطین اراضی اشغالی است، اما آن قسمتی که حالا در عُرف سیاسی به آن می‌گویند اراضی اشغالی- از همه جهت زیر فشارهای شدید قرار دارند: این شهرک‌سازی‌ها، این کارهایی که انجام می‌گیرد؛ اینها این جوری [هستند]، آن وقت آنها بیایند با اسرائیلی‌ها و با عناصر صهیونیست خبیث آمریکایی که با اسرائیلی‌ها همراهند -مثل همان یهودی‌ای که در خانواده‌ی ترامپ هم حضور دارد- [توافق کنند]. و اینها دارند متأسفانه علیه مصالح دنیای اسلام و مصالح منطقه کار میکنند و با قساوت تمام دارند با مسائل این منطقه برخورد میکنند؛ ما نبایستی به آنها کمک بکنیم؛ و اماراتی‌ها به این مسئله کمک کردند. امیدواریم زودتر بیدار بشوند و کاری را که کردند جبران کنند.

امیدواریم ان‌شاءالله خدای متعال همه‌ی شماها را موفق بدارد، مؤید بدارد تا بتوانید این وظیفه‌ی سنگینی را که بر عهده دارید ان‌شاءالله انجام بدهید و ان‌شاءالله روزبه‌روز آموزش و پرورش اعتلای بیشتری پیدا کند.

والسلام علیکم ورحمة‌الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار -که در روز نخست سی و چهارمین اجلاس رؤسا و مدیران آموزش و پرورش سراسر کشور برگزار شد- آقای محسن حاجی‌میرزایی (وزیر آموزش و پرورش) گزارشی ارائه کرد.

(۲) از جمله سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۷۳

(۳) از جمله بیانات در دیدار مسئولان آموزش و پرورش سراسر کشور (۱۳۸۶/۵/۳)

(۴) نتیجه

(۵) بیانات در دیدار وزیر آموزش و پرورش و جمعی از معلمان سراسر کشور (۱۳۹۷/۲/۱۹)

(۶) سازمان ملی پرورش استعدادها درخشان

(۷) مهرداد اوستا. منظومه‌ی آرش (با اندکی تفاوت)



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

- ۸) بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و هیئت دولت (۱۳۹۹/۶/۲)
۹) عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر قدس